



گفت‌وگو با دکتر «عبدالرضا تحسینی» رئیس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان و فعال اقتصادی

## تو خود حجاب خودی، از میان برخیز

دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع و بزرگ‌ترین اخلاص‌گر در فعالیت‌های تولیدی و تجاری باید جایگاه و نقش خود را عوض کند

توسعه معدنی در استان کرمان در بخش دولتی در حوزه مس و فولاد متمرکز است. در بخش خصوصی معدن استان توسعه‌ای دیده نمی‌شود. به‌عنوان کسی که نزدیک به سی سال در حوزه معدن و صنایع معدنی دست بر آتش داشته‌ام، قاطعانه می‌گویم که مسیر دانشگاه از مسیر صنعت کاملاً جداست. نقش دانشگاه در توسعه و به‌روزرسانی صنعت بسیار محدود است. ظرفیت مشاوره در حوزه معدن بسیار کم است، لذا حتی برای کارهای اولیه مثل ژئوفیزیک و موارد مشابه، معدن‌داران اغلب متوسل به خارج از استان می‌شوند.

بخش معدن با چالش‌هایی روبروست که من همه را در چگونگی حضور دولت، خلاصه می‌کنم. نقش دولت در این بخش به جای وظیفه‌ای، باید فرآیندی باشد. مثال ساختار وظیفه‌ای، مثال گروهی است که برای لوله‌گذاری زیرزمینی، اقدام به حفر کانال کرده‌اند، عده‌ای متولی کندن کانال و عده‌ای دیگر بدون توجه به دسته اول، بدون انجام لوله‌گذاری مشغول پر کردن همان کانال هستند. مسئله مهم در این میان، این است که علی‌رغم شعارها و اقدامات ابتدایی، استراتژی معدنی کشور تدوین و تصویب نشده است، لذا سیاست کلی کشور در رابطه با بخش معدن مشخص نیست. باید به بخش خصوصی روحیه داده شود. باید آموزش در خصوص اکتشاف، استخراج، مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست، اقتصاد و مدیریت قیمت تمام‌شده محصولات و ... مورد توجه عملی قرار گیرد.

مشروح گفت‌وگو با عبدالرضا تحسینی رئیس سازمان مدیریت صنعتی استان کرمان و فعال اقتصادی را در اینجا مطالعه نماییم.



شود؛ به‌طور خلاصه نقش دانشگاه در توسعه و به‌روزرسانی صنعت، خیلی خیلی محدود است.

#### ◆ در مورد ظرفیت‌های خدمات مشاوره مهندسی در فعالیت‌های مختلف بخش معدن در استان اعم از اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری توضیح دهید. توسعه شکل‌گیری این خدمات را چگونه می‌سنجید؟

ظرفیت مشاوره در حوزه معدن متأسفانه بسیار کم است. ما در استان شرکت‌های تخصصی که مشاوره واقعی، عملیاتی و اجرایی به معادن و صنایع پایین‌دست بدهند، خیلی کم داریم. از طرفی اغلب کسانی که صاحب تخصص و تجربه هستند یا شخصاً در حوزه معدن مشغول به کار شده یا اینکه جذب مجموعه‌های دولتی بزرگ‌شده‌اند. در واقع عده کمی هستند که کار مشاوره انجام می‌دهند، یک دلیل آن، این است که معدن‌داران و معدن‌کاران معمولاً به مشاوره اعتقادی ندارند و خود را صاحب‌نظر می‌دانند. البته نمی‌توان آن‌ها را زیاد سرزنش نمود. متأسفانه مشاوران مسلط و صاحب صلاحیتی که از روی علم اظهار نظر، کمک و گره‌گشایی از مشکلات معادن کنند، کم هستند. از طرفی افرادی که صلاحیت نداشته‌اند به اسم مشاور اقداماتی انجام داده‌اند که باعث سلب اعتماد شده است؛ لذا حتی برای کارهای ابتدایی و اولیه مثل ژئوفیزیک یا مواردی شبیه به آن، اغلب معدن‌داران متوسل به مشاوران خارج از استان می‌شوند و اعتمادی به استان ندارند.

#### ◆ مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات در تولید و تجارت مواد معدنی کدامند؟ چه راهکارهایی برای رفع مشکلات پیشنهاد می‌نمایید؟

چالش‌ها و مشکلات در حوزه معدن چه در بخش تولید و چه در تجارت بارها و بارها گفته شده است، اما من همه

#### ◆ استان کرمان استانی غنی در زمینه مواد معدنی است به نظر شما چقدر توانسته است به توسعه این بخش دست یابد؟

وسعت و تنوع زمین‌شناسی استان کرمان موجب شده است که این استان به لحاظ مواد معدنی غنی باشد. توسعه بخش معدن در استان کرمان را می‌توان در دو بخش مجزا بررسی نمود؛ اول، توسعه در بخش دولتی است؛ در حوزه مس، مجموعه شرکت ملی مس ایران است که در چند نقطه از جمله سرچشمه، میدوک و دره‌آلو متمرکز است. و حوزه فولاد که در مجتمع گل‌گهر متمرکز می‌باشد، ولی در کرومیت، سرب و روی اقدامات چشمگیری انجام نشده است؛ اگرچه توسعه در این زمینه‌ها شروع شده، اما باید صبر نمود تا مشخص شود که چه میزان در این بخش توسعه تکامل پیدا می‌کند.

در بخش خصوصی، توسعه‌ای دیده نمی‌شود و عمده سرمایه‌گذاری‌های عظیم، دولتی بوده است، البته قضاوت در خصوص میزان بهره‌وری بخش دولتی و اینکه می‌تواند بهتر از این باشد یا خیر؟ خارج از بحث ماست، اما در حوزه بخش خصوصی صرفاً چند معدن سنگ ساختمانی و تعداد انگشت‌شماری ذخایر فلزی و غیرفلزی فعال شده‌اند و در حال کار هستند. در مجموع با توجه به ویژگی استان کرمان، توسعه ناقص و در جنبه‌های مختلف به‌اندازه کافی رشد نکرده است.

#### ◆ دانشگاه چگونه می‌تواند در تولید، فرآوری و به‌روزرسانی در بخش معدنی و صنایع معدنی حضور داشته باشد؟

به‌عنوان کسی که نزدیک به ۳۰ سال در حوزه معدن و صنایع پایین‌دست معدن، دستی بر آتش داشته‌ام، می‌توانم قاطعانه بگویم که مسیر دانشگاه از مسیر صنعت کاملاً جداست. به‌ندرت دیده می‌شود که اساتید محترم آستین‌ها را بالا زده و لباس کار پوشیده و در معادن و صنایع معدنی، مثلاً حوزه متالورژی و امثال آن کارهایی انجام دهند، کمتر از دو درصد اساتید در این حوزه‌ها مشغول به فعالیت و تحقیق می‌باشند.

راه دانشگاه از راه صنعت (به‌طور مشخص در حوزه صنعت معدن) کاملاً جداست. اطلاعاتی که در دانشگاه ردوبدل می‌شود، آموزش‌هایی که ارائه می‌شود، با نیازهایی که در صنعت وجود دارد، اختلاف قابل‌توجهی دارد. علی‌رغم اینکه در این سال‌ها، همواره تلاش شده که ارتباط صنعت و دانشگاه بیشتر شود، ولی نه دانشگاه به صنعت اعتنا نموده و نه صنعت به دانشگاه اعتبار داده و اعتماد می‌نماید. این یک مشکل اساسی است که باید برای آن راهکار پیدا

#### من همه

#### مشکلات را فقط

#### در یک عنوان

#### خلاصه می‌کنم

#### و آن حضور

#### دولت است؛

#### دولت به‌عنوان

#### بزرگ‌ترین مانع

#### و بزرگ‌ترین

#### اخلال‌گر در

#### فعالیت‌های

#### تولیدی و تجاری

#### باید نقش خود

#### را عوض کند که

#### البته می‌دانیم

#### نمی‌تواند این

#### کار را انجام

#### دهد و مرتباً این

#### دست‌اندازی

#### دولت و

#### شبه‌دولتی‌ها

#### در حوزه معدن

#### در حال افزایش

است.

از میان برخی «است و باید این اتفاق بیفتد. در بخش تجارت نیز ما می‌دانیم از موضوع تحریم بگیریم تا تفاوت نرخ ارز، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های باری به هر-جهت یا خلق الساعه، تعرفه برای صادرات، تعرفه برای واردات، مقررات جدید. همه این موارد باعث می‌شود که نتوان یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت روی تجارت مواد معدنی صورت گیرد.

### ♦♦ حمایت دولت از فعالان بخش معدن چه در تولید و چه تجارت را چگونه ارزیابی می‌نمایید، به‌ویژه این که این کمک‌ها با چه روش‌هایی که کارساز باشد مورد انتظار است؟

در سؤال قبل بخش مهمی از این سؤال را پاسخ دادم. بزرگ‌ترین چالش حوزه معدن دخالت‌های بی‌دلیل، غیرعلمی، غیرمنصفانه، غیرکاربردی و بازدارنده دولت است که در کنار این دخالت‌ها و کارشکنی‌ها که سیستم دولتی در کار تولید و تجارت معدن دارد، قصد انجام کمک‌هایی دارد که ما معدن‌کاران، عطای آن را به لقایش بخشیده‌ایم و ترجیح می‌دهیم این کمک‌ها نباشند، ولی دخالت هم نباشد. مثال عرض می‌کنم در حال حاضر واردات ماشین‌آلات معدنی سنگین یکی از ضروری‌ترین اقداماتی است که معدن‌داران باید انجام دهند، ولی این قدر شرایط پیچیده و رنگارنگ تعریف شده که عملاً امکان واردات نیست. در واقع کسانی می‌توانند واردات انجام دهند که معدن‌کار نیستند و بیشتر در کار دلالتی و از پروانه معدن‌دارها استفاده می‌کنند. به اسم اینکه شرکت هیکو ماشین‌آلات معدنی تولید می‌کند، جلو واردات گرفته شده درحالی که هیکو غلتک، لودرهای سبک، گریدر و دستگاه‌هایی شبیه به این‌ها تولید می‌کند که به کار معدن نمی‌آید. برای مثال بیل مکانیکی، بولدوزر و لودرهای سنگین در داخل کشور تولید نمی‌شوند. اگر قرار باشد این دستگاه‌ها وارد شوند با توجه به این که این دستگاه‌ها نو باشند یا دست‌دوم، ارز آن به چه شکل تأمین شود، چند سال تعهد داشته باشند، از کجا وارد شوند و امثال این موارد، آن قدر پیچیدگی به وجود می‌آید که افراد ترجیح می‌دهند به صورت قاچاق این دستگاه‌ها را وارد کنند یا اینکه فراموش کنند و با دستگاه‌های کهنه که از قبل دارند، کنار بیایند و کار کنند.

در مجموع حمایت‌های دولت اگر هم‌زمان با دخالت‌هایش حذف شود، جمع جبری مثبت و به عبارتی راندمان مثبت‌تری برای بخش معدن خواهد داشت.

### ♦♦ در مورد ضایعات بخش معدن و بازیافت آن در استان کرمان چه نظری دارید؟

مشکلات را فقط در یک عنوان خلاصه می‌کنم و آن حضور دولت است؛ دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع و بزرگ‌ترین اختلال‌گر در فعالیت‌های تولیدی و تجاری باید نقش خود را عوض کند که البته می‌دانیم نمی‌تواند این کار را انجام دهد و مرتباً این دست‌اندازی دولت و شبه‌دولتی‌ها در حوزه معدن در حال افزایش است. آیین‌نامه‌های اجرایی و قانون نیز به شکلی تعیین و طراحی شده که دست بخش خصوصی بویژه بخش خصوصی کوچک از حوزه معدن کوتاه شده است، دولت اگر بخواهد در این خصوص اقدامی انجام دهد که می‌دانیم شدنی نیست! اما می‌تواند یکی از راه‌حل‌ها، این باشد که به جای اینکه نقش دولت در خدمات به بخش معدن وظیفه‌ای باشد، فرآیندی باشد. مثال ساختار وظیفه‌ای، مثال گروهی است که برای لوله‌گذاری زیرزمینی اقدام به حفر کانال کرده‌اند و یک عده متولی‌کننده کانال و عده‌ای دیگر بدون توجه به گروه اول و بدون انجام لوله‌گذاری مشغول پُر کردن همان کانال هستند. در حال حاضر منابع طبیعی، محیط‌زیست، حتی دامپزشکی، راه و شهرسازی، وزارت صمت، وزارت کشور در بحث امنیتی، همه در حوزه معدن نقش دارند، اما هرکدام فقط به‌صورت جزیره‌ای حوزه خود را می‌بینند. در اداره صمت آمار منتشر می‌شود که برای مثال، امسال این تعداد پروانه اکتشاف، گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود، اما از آن طرف، محیط‌زیست در کارنامه خود ابراز می‌کند که امسال این تعداد معدن را تعطیل کرده است، در کنار آن منابع طبیعی اعلام می‌کند که ما این مقدار زمین را از تصرف معادن خارج کرده‌ایم، یا این قدر کسب درآمد از معادن داشته‌ایم. همه این سازمان‌ها با افتخار این موارد را اعلام می‌کنند. در واقع این موارد بمنزله این است که این مجموعه‌ها خودشان، همدیگر را تضعیف می‌کنند. پروانه‌های صادره، پروانه‌های باطل شده، درآمدهایی که به‌اجبار و غیرمنصفانه از معدن‌داران اخذ می‌شود، همه این‌ها نشان‌دهنده کارکرد وظیفه‌ای دولت است درحالی که اگر کارکرد دولت فرآیندی باشد و همه این مجموعه‌ها در یک راستا و با یک استراتژی روشن کار کنند، چندگانگی پیش نخواهد آمد و ما شاهد تعارضات خیلی شدید بین خود این دستگاه‌ها نخواهیم بود. در جلسات متعدد که بنده حضور داشته‌ام شاهد بودم که مدیران هرکدام از این دستگاه‌ها چطور با هم به‌صورت چالشی و خصمانه رفتار می‌کردند و هرکدام راه‌حلی برای اینکه بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های طرف مقابل را خنثی کنند و به آن عمل نکنند، ارائه می‌دادند.

در مجموع این که خود دولت مصداق «تو خود حجاب خودی،

معدن‌کاران  
بخش خصوصی،  
سرخورده و  
ضعیف امید خود  
را از دست داده و  
کاملاً ناامید نسبت  
به اینکه بتواند  
کار مهم و اساسی  
انجام دهند، فقط  
باری به هر جهت  
اقداماتی را انجام  
داده، ذخایر  
را دست‌کاری  
می‌کنند و احیاناً  
معادن را کور  
می‌نمایند که  
بعداً هم نمی‌توان  
آن‌ها را استخراج  
کرد و یا استخراج  
آن به علت  
عدم تخصصی  
آن‌ها اقتصادی  
نیست. باید به  
بخش خصوصی  
روحیه داده شود.  
علاوه بر روحیه،  
باید آموزش در  
خصوص اکتشاف  
و استخراج  
و مدیریت  
منابع طبیعی و  
محیط‌زیست داده  
شود.



به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها ردیف‌هایی در بودجه برای کمک به معادن در نظر گرفته می‌شود که معمولاً شامل حال همان معادن بزرگ می‌شود. بانک‌ها به‌هیچ‌وجه منابعی در اختیار معادن‌دارها نمی‌گذارند و معادن‌دارها ناچار می‌شوند تحت عنوان بازرگانی یا الگوهای دیگر وام‌دهی، از بانک‌ها وام بگیرند، علیرغم این‌که در قانون پیش‌بینی شده که بانک‌ها موظفند پروانه بهره‌برداری را به‌عنوان وثیقه قبول کنند، این کار انجام نمی‌شود؛ لذا من ندیده‌ام منابعی به معادن‌داران خصوصی تخصیص داده؛ با این پیش‌فرض که معادن‌دارها خیلی پولدار هستند، اما دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی به روش خودشان همواره رقم‌های بسیار بالایی را دریافت می‌کنند.

♦♦ در مورد سازوکار قیمت‌گذاری مواد معدنی در استان کرمان توضیح دهید، یک مسئله بسیار مهم این است که تولیدکنندگان مواد معدنی در شرایط نوسانات شدید قیمت‌ها ممکن است با زیان روبه‌رو شوند در چنین شرایطی فعالان بخش معدن از چه حمایت‌هایی بهره می‌برند؟

سازوکار قیمت‌گذاری برای مجموعه‌های بزرگ مثل شرکت ملی مس و فولادها بر اساس دستورالعمل‌هایی است که در سایت گدال ذکر شده است و در حال حاضر در بورس معامله می‌شود و ضریبی تعیین کرده‌اند که خیلی هم پیچیده نیست، درعین‌حال گله‌هایی هم راجع به آن است. به‌جز این مجموعه‌ها که محصولات خود را در بورس و تحت همان سیستم کدال عرضه می‌کنند، در بخش خصوصی به‌هیچ‌وجه برنامه‌ریزی و سازوکاری برای قیمت وجود ندارد. علی‌رغم این‌که ما چندین بار تلاش کرده‌ایم، یک هماهنگی بین معادن سنگ ساختمانی ایجاد کنیم، موفق نبوده‌ایم و این به دلیل عدم ثبات و پایداری اقتصادی بخش معدن است. معدن‌داری که بدهی‌های زیاد دارد و تحت فشار است با ثمن بخش مواد معدنی‌اش را می‌فروشد تا بتواند بدهی‌های خود را بدهد، در نتیجه بازار را خراب می‌کند و از آن‌طرف گروهی هستند که مشکل مالی ندارند و به‌قول معروف از «سر سیری» ماده معدنی خود را به بالاترین نرخ عرضه می‌کنند در نتیجه سازوکار روشن و مشخصی برای قیمت مواد معدنی در استان وجود ندارد، کما این‌که در سطح کشور هم وجود ندارد. این نوسانات بارها و بارها معادن‌دارها و معدن‌کارها را زمین زده و بعضی از آن‌ها را البته از خاک بلند کرده است و خیلی خیلی سود برده‌اند؛ مثال آن کرومیت است که در یک دوره‌ای بسیار سودآور بود و معدن‌داران کرومیت ثروت زیادی کسب کردند، اما در حال حاضر شرایط برای کرومیت

همان‌طور که اشاره شد در استان دو مجموعه خیلی بزرگ شرکت ملی مس و مجموعه گل‌گهر در حوزه معادن فعال هستند. این دو مجموعه به علت سخت‌گیری‌های زیست‌محیطی، درصد مدیریت ضایعات خود هستند، اگرچه همچنان آلودگی‌هایی وجود دارد. البته این شرکت‌ها، طرح‌هایی برای بازیافت باطله‌ها و آنچه در انتهای فرآیند به‌صورت ضایعات باقی می‌ماند، دارند.

اما بنده در بخش خصوصی معادنی را سراغ ندارم که اقدامی برای بازیافت انجام داده باشند و اغلب در معادن، حجم بزرگی از ضایعات و باطله‌ها و حتی مواد معدنی کم‌عیار باقی‌مانده و دپو شده است و چاره‌ای برای آن ندارند؛ چون مقرون‌به‌صرفه نیست تا آن را بازیافت و احیا کنند و احتمالاً برای چند صد سال یا چند هزار سال می‌ماند و شبیه آن چیزی که با شدادی‌ها اقدام می‌شود، گروه‌هایی بیابند و روی این باقیمانده‌ها کار کنند.

♦♦ کفایت و کمیت زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌برداری از معادن مانند حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات و غیره چگونه است؟

استنباط بنده این است که در حد معدنکاری در استان، زیرساخت‌ها از حیث جاده آسفالت، وجود برق، ارتباطات (از جمله پوشش موبایل) در قیاس با بعضی استان‌های دیگر و حتی بعضی کشورهای مناسب است، البته نمی‌توان گفت مطابق با کشورهای خیلی پیشرفته است، اما به نظرم شرایط ما بد نیست. یک مقدار در تأمین برق و آب مشکل داریم که مشکل سراسری است. از جهت شبکه راه‌آهن کمبودهایی وجود دارد که یک بخش آن مربوط به قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های استفاده از راه‌آهن است و بخش دیگر آن ناشی از عدم پوشش کافی راه‌آهن در سطح استان است، ولی در مجموع زیرساخت‌ها به نظرم خوب هستند.

البته شبکه حمل‌ونقل به‌اندازه کافی و پایه‌ای بخش معدنی رشد نکرده و ما هنوز هم برای جابه‌جایی حجم بالای مواد معدنی حتماً باید به پیمانکاران خارج از استان متوسل شویم.

♦♦ به نظر شما تخصیص منابع به طرح‌های معدنی در استان چقدر بر اساس توجیحات فنی و اقتصادی بوده و هست. شما در این مورد چه نظری دارید؟

ما در چند سال اخیر منابعی ندیده‌ایم که به بخش خصوصی معدن اختصاص بدهند. بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی منابع سرشاری در اختیار دارند. البته با توجه

## در بخش

## خصوصی

## به‌هیچ‌وجه

## برنامه‌ریزی و

## سازوکاری برای

## قیمت وجود

## ندارد. علی‌رغم

## اینکه ما چندین

## بار تلاش

## کرده‌ایم، یک

## هماهنگی بین

## معادن سنگ

## ساختمانی ایجاد

## کنیم، موفق

## نبوده‌ایم و این به

## دلیل عدم ثبات و

## پایداری اقتصادی

## بخش معدن

## است.

که مجموعه‌های شبه‌دولتی آن‌چنان روی معادن مهم و غنی کشور چنبره زده‌اند که برای بخش خصوصی ضعیف، امکان هیچ فعالیت جدی و بزرگی وجود ندارد و عملاً همه باید معادن خود را به مجموعه‌های بزرگ واگذار کنند یا اینکه تعطیل کنند. به اعتقاد بنده مهم‌ترین اقدامی که می‌توان انجام داد، این است که دولت دست از سر بخش معدن بردارد و نهایتاً مالیاتی که مدنظر او است و یا حقوق دولتی معادن را دریافت کند و اجازه دهد معادن کار خود را انجام داده، تجهیزات خود را وارد، مشتریان خارجی خود را پیدا کنند و نگران تغییر ساعت به ساعت مقررات و قوانین نباشند تا بتوانند حداقل یک برنامه‌ریزی دوساله یا سه‌ساله برای کار خود انجام دهند.

از طرف دیگر معدن کاران بخش خصوصی، سرخورده و ضعیف امید خود را از دست داده و کاملاً ناامید نسبت به اینکه بتواند کار مهم و اساسی انجام دهند، فقط باری به هرجهت اقداماتی را انجام داده، ذخایر را دست‌کاری می‌کنند و احياناً معادن را کور می‌نمایند که بعداً هم نمی‌توان آن‌ها را استخراج کرد و یا استخراج آن به علت عدم تخصص آن‌ها اقتصادی نیست. باید به بخش خصوصی روحیه داده شود. علاوه بر روحیه، باید آموزش در خصوص اکتشاف و استخراج و مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست داده شود. بسیاری از معدن‌دارها شاید قریب به اتفاق همه نمی‌دانند کدام گونه‌های گیاهی در معرض انقراض هستند یا اگر روغن‌موتور دستگاه‌هایشان را تعویض می‌کنند اگر روی زمین ریخته شود چه آثار سوء و مشکلاتی ایجاد می‌کند و نمی‌دانند، ناخواسته چه ضرری به محیط‌زیست وارد می‌کنند. سازمان محیط‌زیست فقط دنبال جریمه کردن، وصول طلب و تعطیل کردن معدن است و آموزشی در کار نیست. در بحث استخراج و اکتشاف، فاصله‌ای که بین دانشگاه و کسانی که کار معدن می‌کنند، بسیار زیاد است و معدن‌دارها معمولاً تا به گرفتاری خیلی زیادی دچار نشوند، دنبال مشاور یا اساتید دانشگاه نمی‌روند و اگر اساتید از عهده حل مسائل برنیابند که دیگر بدتر است و سلب اعتماد می‌شود.

در مجموع ارتباط بیشتری باید بین اساتید دانشگاه و صنعت باشد، آموزش باید حتماً برقرار شود، خیلی از معادن آموزش‌های مدیریتی جهت مدیریت قیمت تمام‌شده محصولشان ندیده‌اند؛ اینکه چطور با مسائل اقتصادی روبه‌رو شوند و چه موقع تولید را کاهش و یا افزایش دهند. لذا لازم است این آموزش‌ها برقرار شود. ♦♦

بسیار اسفبار و بغرنج است. مواد معدنی دیگر نیز به همین شکل، گاهی اوقات شرایط بازار جهانی و گاهی تصمیماتی که دولت اخذ می‌کند، باعث می‌شود قیمت‌ها نوسان پیدا کند و حال شانس هرکدام از کسانی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند، ممکن است خیلی ثروتمند شوند و ممکن است دارایی و زندگی خود را از دست بدهند.

### ♦♦ بهبود توانمندی‌های بهره‌برداری و تولید در بخش معدن استان کرمان چقدر مشکل است؟

مشکل اصلی ما دخالت دولت در حوزه معدن است؛ دولت در قانون معادن با آیین‌نامه‌های اجرایی آن و اجرای قانون در زمینه‌های مختلف از جمله قیمت‌گذاری، مالیات، تعرفه‌ها، تعرفه‌های صادرات و واردات ماشین‌آلات به اشکال مختلف دخالت کرده است. مهم‌ترین مشکل برای سیستم معدن‌کاری کشور، نامشخص بودن نقش اصلاحی دولت در این بین است. یک نکته مهم دیگر هم هست؛ علی‌رغم اینکه بارها و بارها شعار این مسئله داده شده و حتی اقدامات ابتدایی آن انجام شده، استراتژی معدنی کشور تعریف و تدوین نشده است، سیاست کلی کشور در رابطه با معدن چیست؟ با اینکه همه می‌گویند، معدن نقش بسیار مهمی در اقتصاد کشور دارد و جزو چند کشور اول دنیا هستیم، اما عملاً ما هیچ سیاست روشنی برای بخش معدن نداریم. نکته بعدی این است

